

تحفه آینستاین

(نمایشنامه)

Vern Thiessen
Einstein's Gift
Playwrights Canada Press, 2003

سرشناسه: تیسن، ورن، ۱۹۶۴ - م.

Thiessen, Vern, 1964-

عنوان و نام پدیدآور: تحفه آینشتاین (نمایشنامه)/ورن تیسن؛

ترجمه یدالله آقاعباسی؛ ویراستار فاطمه حمصیان کاشان

مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص

شابک: 978-622-7765-79-3

موضوع: نمایشنامه کانادایی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: آقاعباسی، یدالله، ۱۳۳۱ - ، مترجم

رده‌بندی کنگره: PR۹۱۹۹/۳

رده‌بندی دیویی: ۸۱۲/۵۴

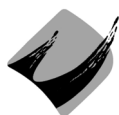
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۳۰۶۰۴۲

تحفهٔ آینشتاین

(نمایشنامه)

ورن تیسن

ترجمهٔ
یدالله آقا عباسی



نشر کرگدن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.
www.kargadanpub.com
[telegram.me/kargadanpub](https://t.me/kargadanpub)
[instagram.com/kargadan.pub](https://www.instagram.com/kargadan.pub)



مجموعه علم بر صحنه - ۷
دبیر مجموعه: شاپور اعتماد

تحفه آیشتاین (نمایشنامه)

نویسنده: ورن تیسن

مترجم: یدالله آقاعباسی

ویراستار: فاطمه حمصیان کاشان

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۳-۷۹-۷۷۶۵-۶۲۲-۹۷۸

چاپ اول: ۱۴۰۳

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

یادداشت دبیر مجموعه

نوشتن نمایشنامه در ارتباط با علم طی جنگ جهانی دوم دچار تحول شد، تحولی که عملاً به پدید آمدن ژانری جدید در نمایشنامه‌نویسی انجامید: نمایشنامه‌های علمی. با آنکه نگارش گفت‌وگوهایی درباره علم از آغاز پیدایش علم جدید باب بود، رواج و تثبیت پدیده نمایشنامه‌های علمی به برشت و گالیله‌های او بازمی‌گردد: گالیله قبل از جنگ و گالیله بعد از جنگ.

گستره شمول این مجموعه بسیار محدود است. این مجموعه از نظر زمانی خود را محدود می‌کند به نمایشنامه‌های علمی بعد از جنگ جهانی دوم. کار در این محدوده زمانی در دو مرحله دنبال خواهد شد. نخست، مطالعه و بررسی اجماع جهانی درباره درخشان‌ترین نمایشنامه‌های علمی و انتخاب حدود ده نمایشنامه علمی. پس از این، کار ترجمه نمایشنامه‌هایی که پیش‌تر به فارسی ترجمه نشده‌اند آغاز می‌شود. از آنجا که گمان می‌رود این نمایشنامه‌ها عمدتاً مربوط به یک رشته علمی (فیزیک) باشند و در نتیجه مجموعه «علم بر صحنه» فاقد تنوع موضوعی شود، گام دوم عبارت است از جست‌وجوی آن دسته از نمایشنامه‌های علمی که اگرچه ممکن

است به اندازهٔ دستهٔ نخست شناخته‌شده و کلاسیک نباشند، اما این حسن را دارند که به رشته‌های علمی متنوع‌تر و ماجراهای علمی متأخرتر می‌پردازند. چارلز پرس اسنونیم قرن پیش، شکاف میان دانشمندان اهل علم و روشنفکران اهل هنر را شکاف میان دو فرهنگ خواند. در دو سه دههٔ گذشته شاهد بوده‌ایم چگونه تئاتر برخلاف فیلم و تلویزیون توانسته است بر این شکاف غلبه کند و راهگشا باشد. منشأ الهام انتخاب‌های این مجموعه همین بصیرت خواهد بود - یعنی تلاش برای رسیدن به پیوند علم و تئاتر. بدیهی است اجرای این طرح در گرو مشارکت افراد علاقه‌مند از رشته‌های متفاوت است.

شاپور اعتماد

فهرست

۱	پیش‌گفتار
۹	یادداشت‌هایی برای اجرا، صحنه‌آرایی و قراردادها
۱۱	آدم‌های نمایش
۱۳	پردهٔ اول
۶۳	پردهٔ دوم
۱۰۳	پس‌گفتار

پیش‌گفتار

ورن تیسن به من می‌گوید سال ۱۹۹۶ در سالن بیلاردی در خیابان ادمونتونز وایت^۱ بوده‌ایم که به او پیشنهاد کرده‌ام نمایش‌نامه‌ای درمورد فریتس هابر^۲ بنویسد. راستش را بخواهید، آن محل را به خاطر نمی‌آورم، اما چیزی که به آن اشاره می‌کند احتمالاً درست است. یادم هست که عنوان «روند کار هابر»^۳ را پیشنهاد کردم، اما ورن فوراً گفت بخشی از انگیزه نوشتن نمایش‌نامه این است که تعداد تماشاگرانش زیاد باشد. ما دانشمندان اغلب خواننده مجله‌هایی هستیم که آنها را فقط دانشمندان می‌خوانند. در یکی از همین مجله‌ها - مجله‌ای انگلیسی به نام نیچر^۴ که به‌طور مرتب به چاپ مقاله‌های پژوهشی و نقد کتاب‌های علمی و زندگی دانشمندان می‌پردازد - بود که اتفاقاً به مطلبی درمورد زندگی دیتريش اشتولتزبرگ^۵ برخوردم که در آن به وقایع زندگی فاجعه‌بار هابر اشاره کرده بود. به سبب همان مطلب بود که به ورن گفتم داستان زندگی هابر را می‌توان به نمایش‌نامه‌ای خوب تبدیل کرد. تا همین امروز هم شگفت‌زده‌ام که چطور پیشنهاد مرا چنین جدی گرفت.

1. Edmonton's Whyte
4. *Nature*

2. Fritz Haber
5. Dietrich Stolzenberg

3. Harber Process

بیش از ده سال پس از نخستین انتشار تحفه آینشتاين، حالا دوباره دارم مجله نیچر را مرور می‌کنم که در شماره مورخ ۳ ژوئیه ۲۰۱۴ سرمقاله‌ای در مورد یکصدسالگی جنگ جهانی اول دارد. از مقاله‌های آرشیوی شاخص سال ۱۹۱۴ می‌توان دریافت که چگونه دانش در جدوجهد جنگ نقش اساسی داشته است. به‌طور مثال، پس از آنکه نیروهای متفقین نخستین بار در ایپر^۱ مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند، پژوهشی در نیچر در مورد منابع شیمیایی احتمالی آن گاز سمی گزارش داد. هرکس در دانشگاه دوره مقدماتی شیمی را گذرانده باشد، احتمالاً با روش هابر برای تثبیت نیتروژن جوی آشنا است. این فرایند چند اصل اساسی شیمی- فیزیک را توضیح می‌دهد و جایزه نوبل شیمی را در سال ۱۹۱۸ نصیب هابر کرد - بیشتر به این دلیل که این فرایند به گسترش کودهای نیتروژنی انجامید، چیزی که به تغذیه جمعیت روبرو شد جهان کمک کرد. در عین حال، هابر، با تکمیل مواد انفجاری علاوه بر گاز سمی مذکور، که هر دو دستاورد روش ترکیب آمونیاک او بودند، سهم عمده‌ای در کارهای جنگی آلمان داشت. میراث او نشان‌دهنده حقیقتی اساسی است که نه خوب است و نه بد، اما همگی ما با همین حقیقت است که مسئول کارهای خود هستیم، کارهایی که انتخاب می‌کنیم و به انجام می‌رسانیم. بسیاری از مردم احتمالاً هرگز نام فریتس هابر را نشنیده‌اند. من متخصص بیوشیمی هستم و در زمان دانشجویی ناچار کار او را شناختم، اما چیزی از زندگی او نمی‌دانستم.

در زمان هابر، دانشمندان احترام زیادی داشتند و این احترام بدون شک مدیون این درک عامه مردم بود که گمان می‌کردند علم کلید پیشرفت را در اختیار دارد. یک استاد آنزیم‌شناسی به نام نیل ماسن^۲ در دانشگاه

۱. Ypres؛ شهری در بلژیک.

آلبرتا زمانی عکسی را به دانشجویانش نشان داد که در آن امیل فیشر^۱ شیمی‌دان (از معاصران هابر) همراه قیصر ویلهلم از گروهی از نظامیان سان می‌دید. نشان دادن این عکس تأکیدی بود بر مقامی که علم شیمی در آغاز قرن بیستم در آلمان به دست آورده بود. دانشمند موفق بودن در زمان هابر باید تجربه‌ی کاملاً متفاوتی بوده باشد. او احتمالاً حتی لحظه‌ای هم تصور نمی‌کرد که کارش او را به موجودی منفور تبدیل کند. امروزه نه تنها از دانشمندان انتظار می‌رود بیماری‌ها را درمان و منابع انرژی پاک را کشف کنند، بلکه ضمناً آنها را مسئول تخریب محیط‌زیست، گرمایش جهانی و انهدام هسته‌ای می‌دانند. پس از جنگ جهانی اول، زبان انگلیسی به‌عنوان زبان علم سرانجام جای زبان آلمانی را گرفت، اما هم‌تایان هابر همچنان رهبران شیمی جهان بودند و پژوهش‌های خود را به زبان آلمانی منتشر می‌کردند. دانشمندان انگلیسی‌زبان برای مطالعه‌ی متون شیمی و چاپ مقاله‌های خود در نشریات شاخص، همچون *Berichte der deutschen chemischen Gesellschaft* (تأسیس در سال تولد هابر، یعنی ۱۸۶۸) باید زبان آلمانی می‌آموختند. غرور ملی هابر و شیمی او آشکارا از هم جدانشدنی بودند.

تحفه‌آینشتاین در سال ۲۰۰۳، چند سال پس از حمله‌ی تروریستی یازده سپتامبر به ایالات متحده، به چاپ رسید و نخستین واکنش مهم پس از جنگ عراق به شمار می‌رفت که تمرکز اصلی‌اش بر «سلاح‌های کشتار جمعی» بود. به دنبال این رویدادها، شاهد واکنش علیه بنیادگرایی مذهبی و دعوت به خردگرایی علمی از سوی دانشمندانی بودیم که در مجموع آنها را الحادگرایان نوین^۲ می‌خوانند. درحالی‌که کمتر کسی دعوت آنها را به تفکر منطقی دست‌کم می‌گیرد، کسانی هم هستند که اعلام می‌کنند دانش برای نجات انسانیت کافی نیست. در سال ۲۰۱۴،

1. Emil Fischer

2. New Atheists

من در جامعه علمی نوعی بازگشت به مخالفت با الحادگرایان نوین می بینم، کسانی که حالا به سبب ادعاهایشان، که به نوعی معرفت به وجود خدا را نفی می کند، مورد انتقاد قرار گرفته اند. احتمالاً تأمل در بنیادهای دینی برای فیلسوفان، علمای دین و هنرمندان ابزار شناخت مناسب تری است. گلن گولد،^۱ پیانیست بزرگ کانادایی، زمانی می گفت که «زندگی پس از مرگ» برای من «بی نهایت قابل قبول تر از عکس آن است که می تواند فراموشی باشد». خردگرایی علمی نمی تواند به جدال ایمان مذهبی برود، چون علم محدود به قلمرو فرضیه های آزمودنی است. ایمان مذهبی شخصی است و علم نه می تواند آن را اثبات نه می تواند رد کند. هابر دانشمندی بود که می بایست با عقاید مذهبی خود دست و پنجه نرم می کرد، اما مثل بسیاری از دانشمندان، در کار علمی خود از تبیین های مذهبی پرهیز می کرد.

پژوهش پایه بی طرف است، چون استفاده های علمی، خوب یا بد، اساساً غیر قابل پیش بینی اند. به گمان من، این گفته تاحدی در مورد رویدادهای زندگی روزمره نیز صدق می کند. انتخاب شخصی برای بخشیدن جایگاهی برتر به ایمان فردی حداقلی بازتاب نیاز به باوری است که بر اساس آن رویدادهای غیر قابل پیش بینی در نهایت خیرند. جان اف. هوت^۲ دین شناس در کتابش با عنوان خدا بعد از داروین^۳ می نویسد: ریشه های تکامل دینی را، که کشمکش بین علم و دین است، می توان در آموزه های دین شناسی سنتی فلاسفه متافیزیک دان یونانی ردیابی کرد. علم نوین تکاملی کیهان شناختی و زیست شناختی در اختیار ما می گذارد، چون ریشه در متافیزیک ماده گرایی دارد که هم حال و هم گذشته را در نظر می گیرد. پیشنهاد هوت این است که الاهیات مدرن باید بر متافیزیکی تکیه کند که آینده را در نظر می گیرد و واقعیت های

1. Glenn Gould

2. John F. Haught

3. *God after Darwin*

کیهانی و تکامل زیست‌شناختی را بخشی از پیمان خداوند برای زندگی جاوید به حساب بیاورد. هدایت معنویِ مختصرِ حاصل از این دیدگاه بی‌تردید به تلاش دانش نوین در مسیر عینی‌گرایی لطمه‌ای نخواهد زد. دستاوردهای شخصی هابر در مورد ایمان به برجسته کردن کشمکش بین دانش و دین کمک کرد. بالاتر از همهٔ اینها، کشمکش بین ملی‌گرایی آلمانی هابر و میراث یهودی او است. قبل از تلاش برای نسبت دادن پیامدهای ناگوار حاصل از پژوهش هابر به عقایدش، باید در مورد ملیت و ایمانش خیلی دقت کنیم. پس کشفیات او را، که به جهان ما یاری می‌رسانند، به چه چیزی باید نسبت بدهیم؟ بقای ما بر پاشنهٔ یافتن پاسخ‌های علمی جدید به مسائل جاری جهان می‌گردد. هدف باید به حداقل رساندن پیامدهای ناگوار پیشرفت‌های علمی باشد.

انتشارات ام‌آی‌تی در توصیف کتاب *غنی‌سازی خاک*^۱ نوشتهٔ واتسلاف اسمیل^۲ نوشته است: «تولید صنعتی آمونیاک از نیتروژن و هیدروژن برای دنیای جدید اهمیتی بسی بیشتر از اختراع هواپیما، تلویزیون، انرژی هسته‌ای یا پرواز به فضا داشته است. افزایش جمعیت جهان از ۱/۶ میلیارد در سال ۱۹۰۰ به شش میلیاردِ فعلی بدون تولید آمونیاک امکان‌پذیر نبوده است». باین حال، من همچنان با سرخط خبرهایی مواجه می‌شوم در مورد آلوده شدن منابع آب توسط کودهایی که برای رشد جلبک‌ها در دریاچهٔ ایری^۳ ریخته می‌شوند. در سال ۱۹۹۴ (دو سال قبل از آنکه من و ورن نخستین بار در مورد هابر صحبت کنیم)، من با مسرت در مؤسسهٔ ماکس پلانک، یکی از مراکز پژوهشی علمی آلمان، تحصیل می‌کردم و بخت آن را یافته‌ام که در برلین در همان مؤسسه‌ای سخنرانی کنم که هابر تحت نام اصلی مؤسسهٔ قیصر ویلهلم تأسیس کرده بود.

1. *Enriching The Earth*

2. Vaclav Smil

3. Erie

به وضوح به خاطر می‌آورم که در همان ساختمانی راه می‌رفتم که ورن بعداً نامه‌های ردوبدل شده بین هابر و آلبرت آینشتاین را در آنجا کشف کرد. در این کتاب، ورن به زمینهٔ کاملی در مورد هابر دست یافته است که نمایش نامه را به سطحی ارتقا می‌دهد که من هرگز تصورش را نمی‌کردم. براساس دوستی آنها است که ورن عنوان *تحفهٔ آینشتاین* را برگزیده است. اگر نمی‌دانید، واژهٔ «تحفه [gift]» در زبان آلمانی دقیقاً معادل «زهر» در زبان انگلیسی است. وقتی نمایش نامه را می‌خوانید، طعنهٔ تلخ قضیه را درمی‌یابید.

دکتر راسل ای. بیشاپ^۱

گروه آموزشی علوم زیست‌شیمی و زیست‌پزشکی و مؤسسهٔ مایکل جی.

دگروت^۲

برای پژوهش دربارهٔ بیماری‌های عفونی دانشگاه مک مستر^۳

همیلتون، ژوئیهٔ ۲۰۱۴

1. Russell E. Bishop

2. Michael G. Degroote

3. McMaster

تحفه آینشتاین نخستین بار در فوریه سال ۲۰۰۳ در تئاتر سیتادل^۱ در ادمونتون آلبرتای کانادا به کارگردانی دیوید استورک^۲ اجرا شد. همچنین، این نمایش نامه نخستین بار در امریکا توسط مرکز تئاتر اپیک^۳ در تئاتر آکورن^۴ در نیویورک در ۶ اکتبر ۲۰۰۵ با بازیگری جیمز مک دونالد، مایکل اسپنسر دیویس، جولیان آرنولد، اشتفانی ولف، فیلیپ وارن سارسونز، پاول مورگان دونالد، دنیللا ولاشکالیچ، و به کارگردانی ران راسل روی صحنه رفت.

بازیگران این نمایش در امریکا عبارت بودند از: شون الیوت، گلن فلش لر، ملیسا فریدمن، عاصف مندوی، گود فری ال سیمونز، نیلا جاسن، جیمز والر و سارا ونیکلر.

همچنین، کارگاه ویژه‌ای برای این نمایش نامه توسط مرکز تئاتر اپیک، با همکاری کارگاه تئاتر و بنیاد پروژه‌های علوم و فناوری، در سال ۲۰۰۵ و در جشنواره فرست لایت در ماه مه همان سال برگزار شد.

-
1. Citadel
 2. David Storch
 3. Epic Theatre Center
 4. Acorn Theatre